

خانه‌های قلعه‌ای در برازیلیا

در حومه پایتخت برزیل، حتی خانواده‌های فقیر پشت نرده‌های فلزی سنگر گرفته‌اند. این نرده‌ها هم خانه‌ها را از دزدی محافظت می‌کند و هم نمادی از پیروزی اجتماعی است.

لیسیا والادارس و مارتین ژاکو

لیسیا والادارس جامعه‌شناس در «مؤسسه دانشگاهی تحقیقات ریودوژانیرو» (IUPERJ) و استاد مهمان در مؤسسه فرانسوی شهرسازی (IUP, Paris XII) است. مارتین ژاکو از نویسندگان پیام یونسکو

ناامنی است. یک افسر سی و پنج ساله ارتش به نام جسه دو سوزا می‌گوید: «تا هشت نه سال پیش، قمر - شهرها امنیت داشتند. اما بعد تعداد دزدها یکباره زیاد شد. آنها خودشان را برای دزدی در ویلاهای شیک کنار دریاچه و منازل ناحیه مرکزی به خطر نمی‌اندازند. چون اولاً مسافت زیاد است. و ثانیاً خانه‌های آنجا دارای سیستم‌های امنیتی بسیار پیشرفته هستند. مجتمع‌های آپارتمانی ناحیه مرکزی هم نگهبان شبانه‌روزی دارند. بنابراین دزدی در قمر - شهرها از همه‌جا آسان‌تر است. دزدها همه چیز را می‌برند: دوچرخه، خودرو، رادیو ضبط و سی‌دی خودرو و تلویزیون منازل. دزد به خانه ما هم زده است. اما حالا نرده گذاشته‌ایم.» جسه دو سوزا که اصلاً اهل ایالت باهیاست در قمر - شهری به نام سیلاندا (با جمعیتی حدود ۳۶۰ هزار نفر) زندگی می‌کند که در دهه هفتاد برای اسکان مهاجران ساکن در حلی آبادها احداث شد.

برازیلیا دو چهره دارد. نخست، پایتختی مدرن که بین سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ احداث شد. این شهر عظیم که طراحی لوجیو کوستا و سازنده‌اش اسکار نیمیر بودند، ناحیه مرکزی (plano piloto) نگاه کنید به طرح ص. ۳۱) نام گرفته و مطابق برنامه ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که غالباً کارکنان وزارتخانه‌ها و سفارتخانه‌ها هستند.

برازیلیای دیگر مشتمل بر حومه‌هایی مملو از افراد طبقات متوسط و فقیر است که قرار بود جمعیت آن از جمعیت ناحیه مرکزی



نرده‌های یک ثانوی در سیلاندا. نوشته سمت چپ «از شما فیلم می‌گیرند، لبخند بزنید». نوشته سمت راست: «مشتریان گرامی، به خاطر دروسرهای این تدابیر امنیتی متأسفیم، لطفاً تأمل کنید، درها به‌طور خودکار باز می‌شوند.»

صنعتی به نام حفاظت خصوصی

ماریا دو جوسوس پریرا، زن خانه‌دار چهل ساله، شوهرش را وادار کرده که پیش از هر کاری دور خانه‌شان نرده بکشد. زیرا تعداد بی‌کارهای سانتاماریا زیاد است و دزدی در آنجا فراوان اتفاق می‌افتد، او می‌گوید: «حالا چهار کودکم می‌تواند راحت و بی‌خطر بازی کنند. حتی وقتی برای خرید می‌روم می‌توانم نرده‌ها را ببندم و آنها را برای بیرون رفتن از خانه آزاد بگذارم.»

خشونت و ناامنی از اوایل دهه هشتاد به مسئله‌ای مهم در برازیلیا و حتی مهم‌تر در سایر شهرهای برزیل و نیز امریکای لاتین تبدیل شده است. عرضه و تقاضای وسایل و تجهیزات امنیتی - از بی‌سیم گرفته تا سیستم‌های مدار بسته - به‌نحوی چشمگیر افزایش یافته است.

افراطی‌ترین نمونه‌های این نگرانی امنیتی، کوندومینیوس فچادوس، یا املاک خصوصی (خانه‌ها، مجتمع‌های آپارتمانی، فروشگاه‌ها و شرکت‌ها) پنهان شده در پشت دیوارها هستند که فقط با ارائه کارت شناسایی به نگهبان، می‌توان وارد آنها شد. بنیان این خدمات توانسته‌اند به نحوی موفقیت‌آمیز مفهوم «آرامش و امنیت» را به مشتریان بفروشند. این‌گونه مکان‌های بسته و حفاظت‌شده در مرکز شهرها و حومه‌ها رو به ازدیادند. به قول ترزا کالدیرا* این مکان‌ها در واقع قلعه‌های طبقات بالا و متوسط جامعه هستند. وجود این قلعه‌ها جدایی بین شهرنشینان را تشدید می‌کند، زیرا محروم‌ترها را به مناطقی از شهر عقب می‌راند که فاقد تأسیسات زیربنایی است.

ناحیه مرکزی در برازیلیا خود قلعه‌ای است با دیوارهای نامریی. یگانه مرز بین پایتخت و قمر - شهرها که با فاصله‌ای حساب‌شده

بیشتر نشود. اما تعداد این حومه‌ها که به قمر - شهرها شهرت یافته‌اند حالا به شانزده شهرک رسیده که مجموعاً ۱/۳ میلیون جمعیت دارند. چیزی که همه بازدیدکنندگان از این شهرک‌ها را متحیر می‌سازد آن است که بسیاری از خانه‌ها، از ویلاهای شیک تا کلبه‌های چوبی معمولی یا مجتمع‌های آپارتمانی با نرده‌های فلزی محصور شده‌اند.

در نوکلتو باندیرانتس، قدیمی‌ترین قمر - شهر (در ۱۵ کیلومتری ناحیه مرکزی) یا در شهرک‌های تاگوآتینگا، گوآرا و کروزیرو نرده‌های فلزی غالباً از سطح پیاده‌رو تا ارتفاع طبقه اول بالا رفته‌اند، چنانکه بازدیدکننده احساس می‌کند مردم اینجا «در قفس» زندگی می‌کنند.

در شهرک‌های فقیرنشین‌تر و جدیدتر مانند سانتاماریا (آخرین قمر - شهر، ساخته شده در ۱۹۹۴) رکانتوداس ایماس و سامامبایا خیلی‌ها پیش از آنکه کار احداث کلبه چوبی‌شان به پایان برسد، دور آن را نرده می‌کشند. این وضعیت در مورد مهاجران تازه‌ای نیز صدق می‌کند که در «حومه حومه»، در روستاها و حتی در ایالت مجاور گویاس، مستقر می‌شوند.

مهم‌ترین توجیهی که برای ایجاد این حفاظ‌های بلند عنوان می‌شود،

* نگاه کنید به مقاله او تحت عنوان «الگوی جدید جدایی مکانی: دیوارهای ساتوپولو»، در مجله بین‌المللی علوم اجتماعی، شماره ۱۴۷، مارس ۱۹۹۶، یونسکو.



در محله کوزیرو، بچه‌ها پشت حصارهای فلزی در امنیت بازی می‌کنند.

احداث شده‌اند، یک کمربند سبز است. مکان‌های حفاظت‌شده در حاشیه داخلی این کمربند پدیدار شده‌اند، در حالی که در خارج کمربند نیز قمر - شهرها شاهد افزایش سرسام‌آور نرده‌های آهنی هستند.

ماریلیا استینبرگ، استاد رشته شهرسازی در دانشگاه برازیلیا معتقد است، دغدغه امنیتی که ظاهراً علت این‌گونه اقدامات است در واقع پوششی بر انگیزه‌هایی پیچیده‌تر است. وی می‌گوید: "مهاجرت به برازیلیا برای همه ما نوعی ریسک و ماجراجویی بوده است. من کسی را از میان آنانی که در پایتخت جدید یا حومه‌اش باقی مانده‌اند نمی‌شناسم که وضعیت اقتصادی‌اش در مقایسه با پیش از آمدنش به این شهر بهتر نشده باشد، درست است که نرده‌ها کاربرد حفاظتی دارند، اما ضمناً نشان‌دهنده نوعی ترقی سریع اقتصادی و اجتماعی‌اند. دیوار همه چیز را پنهان می‌سازد اما نرده امکان مشاهده خانه و صحنه‌های زندگی مدرن آن را فراهم می‌کند. از پس نرده همچنین می‌توان خودرو یا خودروها (از مظاهر موفقیت) را که در حیاط پارک شده‌اند، دید.

اظهارات برخی کارشناسان دیگر نیز مؤید آن است که این حفاظت‌های محکم و مؤثر و حتی تا حدودی ضروری جوانمی نمادین دارند. ساکنان این برازیلیای دیگر آمدند تا زندگی جدیدی را با رؤیای موفقیت در آنجا شروع کنند، اما چیزی نمانده بود که این افراد امیدشان را از کف دهند. جریان از این قرار است که احداث ناحیه مرکزی بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۶۰ به دست ۱۰۰ هزار کارگری صورت گرفت که عمدتاً از منطقه شمال شرقی کشور استخدام شده بودند. این کارگران در زمان کار در کلبه‌هایی چوبی واقع در حاشیه ناحیه مرکزی زندگی می‌کردند. پس از افتتاح رسمی برازیلیا در بیست و یکم آوریل ۱۹۶۰، این مسکن‌های موقت حکم «حلبی‌آبادهای غیرقانونی» را پیدا کردند. ولی بخشی عمده از کارگران که از ساختن پایتخت مدرن احساس غرور می‌کردند، حاضر نشدند این الدورادوی جدید را ترک گویند، سپس مهاجران دیگری از نقاط مختلف کشور آمدند و در اطراف ناحیه مرکزی سکنا گزیدند.

با این وصف، مسئولان دولتی در ۱۹۷۰ تصمیم گرفتند به جای راندن مهاجران، شرایط مناطق مسکونی ایشان را بهبود بخشند و با احداث تأسیسات زیربنایی در قمر - شهرها از یوش مردم به ناحیه مرکزی پیشگیری نمایند.

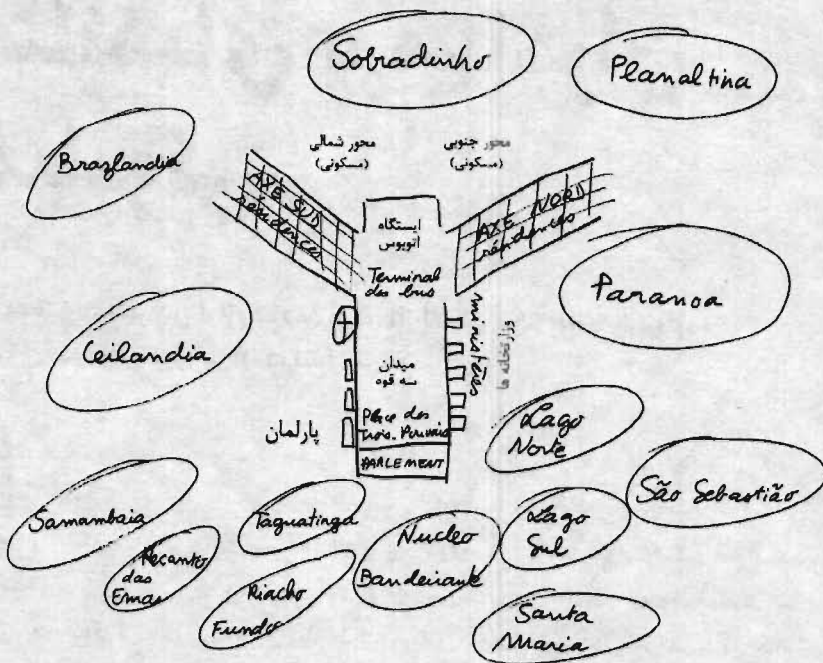
به این ترتیب، احساس می‌شود خانواده‌های مهاجران می‌خواهند از لایه‌لای نرده‌ها به نوعی نشان دهند که موفق شده‌اند برای خویش مقری - حتی اگر کوچک - در قلب فدرال یا در دروازه‌های معروف به، «برازیلیای رسمی» به دست آورند و رؤیاهای‌شان را تحقق بخشند.

نرده‌های یک مجتمع مسکونی حفاظت‌شده در سویرادینهو، از قمر - شهرهای برازیلیا.



امروز برخی از برازیلیا انتقاد و آن را متهم می‌کنند که غیر انسانی، سرد، بی‌هویت و بالاخره پوچ است. ... گناه ما نیست که این شهر قربانی ستم جامعه سرمایه‌داری شده است.

اسکار نیمیر، معمار برزیلی (-۱۹۰۷)



طرح که مهندس شهرساز لوسيو کوستا در ۱۹۷۵ برای برازیلیا، موسوم به ناحیه مرکزی، کشیده به قول خودش مبتنی بر "دو محور است که یکدیگر را با زاویه‌هایی مستقیم قطع می‌کنند و صلیبی را تشکیل می‌دهند". محور اصلی که جایگاه مراکز عمده فعالیت شهر است، از یک سو به میدان عظیم سه قوه (مجریه، مقننه، قضاییه) و از سوی دیگر به میدان وزارتخانه‌ها ختم می‌شود. در هر طرف بازوهای صلیب، مناطق مسکونی‌اند که به مجموعه‌های بزرگ مسکونی (superquadras) تقسیم می‌شوند. هدف احداث شهری بدون چهارراه بود که در آن دیگر "خودرو دشمن سازش‌ناپذیر انسان نباشد". در گلوگاه مرکزی راه‌ها، پایانه اتوبوسرانی عظیمی موسوم به پلاتا فورما واقع شده است که روزانه بیش از ۴۰۰ هزار مسافر از قمرشهرها بدان وارد می‌شوند. برازیلیا در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

پرونده اطلاعات

ناحیه فدرال برازیلیا این ناحیه ۵۷۸۸ کیلومتر مربع مساحت دارد و شامل ناحیه مرکزی برازیلیا، شانزده «قمر شهر» و منطقه‌ای روستایی است.

جمعیت (آمار رسمی)

جمعیت ناحیه فدرال از ۵۴۶۰۰۰ نفر در ۱۹۷۰ به ۱۱۷۶۸۰۰ نفر در ۱۹۸۰ تا ۱۸۲۲۰۰۰ در ۱۹۹۶ رسید. ناحیه برازیلیا مانند سایر شهرهای بزرگ برزیل شاهد کاهش نرخ رشد جمعیت است. در دهه هفتاد نرخ رشد جمعیت برازیلیا سالانه ۸/۱ درصد بود، اما بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ این نرخ به ۲/۸۴ درصد کاهش یافت. روند مهاجرت در برزیل در ده سال گذشته به سوی ایالت‌های ماتوگروسو و خصوصاً روندونیا بوده است که کاهش فشار روی کلان شهرهایی چون سانویولو و ریودوژانیرو را در پی داشته است.

وضعیت سیاسی

برزیل پس از کودتای ۱۹۶۴ بیست و یک سال زیر سلطه نظامیان بود. حکومت مدنی با انتخابات سال ۱۹۸۵ احیا شد.

طبق قانون اساسی جدید برزیل، مصوب ۱۹۸۸، ناحیه فدرال به وسیله فرماندار اداره می‌شود که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌گردد (این فرماندار از ۱۹۶۰ از سوی دولت می‌شود) و یک معاون دارد. خواکیم روریتس نخستین فرماندار منتخب برازیلیا در ۱۹۹۰ بود. او در انتخابات ۱۹۹۴ از کریستووام بوآرکونه شکست خورد، اما در ۱۹۹۸ مجدداً به قدرت رسید. فرماندار، معاون فرماندار و مدیران حوزه‌های مختلف ناحیه فدرال، قوه مجریه ناحیه را تشکیل می‌دهند. قوه مقننه در اختیار بیست و چهار نماینده است که هر چهار سال همزمان با فرماندار انتخاب می‌شوند.

داده‌های اقتصادی

در ناحیه فدرال، ۲۲ درصد از جمعیت فعال کارمند دولت هستند، ۱۴ درصد در بخش تجارت کار می‌کنند و ۵۳ درصد نیز در بخش‌های دیگر مشغول‌اند. اقتصاد ناحیه عمدتاً در سیطره مؤسسه‌های کوچک تجاری است که ساکنان قمر شهرها تشکیل داده‌اند. با این وصف، طبق آمار یک نهاد دولتی (کمیسون توسعه فلات مرکزی، CODPAN)، ۲۲ درصد از جمعیت فعال ناحیه بی‌کارند. آمار رسمی نشان می‌دهد که یک سوم از ساکنان این ناحیه دارای خودرو و ۹۲ درصد خانوارها دارای تلویزیون هستند. خدمات اساسی شهری تقریباً کامل است: ۹۳ درصد از اهالی به آب آشامیدنی دسترسی دارند و ۸۴ درصد از منازل به شبکه فاضلاب وصل‌اند.

داستان کلیتون پیرا سانتوس بیست و سه ساله و کارشناس جغرافیای مثالی روشن از این‌گونه پیشرفت اجتماعی است: "پدرم که اهل شهری کوچک در ایالت پیائوبی است، در اوایل دهه شصت به عنوان کارگر بنا در برازیلیا استخدام شد. او ابتدا در منزل یکی از خویشانش که قبلاً به برازیلیا آمده بود، ساکن شد. اما پس از آنکه با مادرم ازدواج کرد، آپارتمانی کوچک در ناحیه مرکزی اجاره کرد تا در آنجا سکونت کنند. پدر و مادرم که می‌خواستند «خودشان» خانه داشته باشند، اولین خانه را که خیلی کوچک بود در تاگوآتینگا ساختند. آنها سپس این خانه را فروختند و ویلایی مجهز به نرده در سیلانیدا بنا کردند. پدرم که شرکت کوچکی هم راه انداخته است، حالا می‌خواهد آن را بفروشد و یک خانه حفاظت‌شده (کوندو مینیو فچادو) بسازد."

افراد طبقات اجتماعی در برزیل، خریداری املاک را در صدر برنامه زندگی قرار می‌دهند. طبق آمار رسمی، ۷۳ درصد از کلیه ساختمان‌های این کشور املاک خصوصی‌اند و نهادهای دولتی مانند بانک ملی مسکن مشتریان خود و مردم را بیشتر به تملیک مسکن تشویق می‌کنند تا اجاره کردن آن.

جهان نمادها

اما خریداری ملک در برازیلیا و در سایر نقاط برزیل برای حفاظت خویش در برابر نوعی دیگر از ناامنی است که ناشی از نگرانی‌های اقتصادی است. بحران‌های اقتصادی مکرر موجب تقویت این استدلال ساده شده است: در کشوری که چیزی به نام سازمان تأمین اجتماعی عملاً وجود ندارد، ممکن است شغل‌تان را به سادگی از کف دهید، اما اگر خانه‌ای از آن خود داشته باشید به این سادگی‌ها از دست‌تان نخواهد رفت. در نتیجه، به نفع شماس‌ت که مراقب امنیت خانه و حفظ ارزش معاملاتی آن هم باشید. خانه‌ای که نرده داشته باشد گران‌تر از خانه بی‌نرده است. کلیه خانه‌های «برازیلیای دیگر»، حتی کلبه‌های چوبی‌اش قیمتی بالا دارند.

نرده‌ها جزئی از جهان نمادها و ارزش‌ها هستند. آنها همچنین به نوعی، نقطه مقابل ناحیه مرکزی ساخته کوستا و نیمیر با ساختمان‌ها و بناهای سیمانی و مدرن‌اش به‌شمار می‌روند. ساکنان برازیلیای دیگر، فقط برای رفتن به محل کار یا برگشت به خانه به پایتخت که سکونتگاه طبقه حاکم است می‌روند. نرده‌ها شاید پاسخ فقرا به جدایی اجتماعی و جغرافیایی تحمیل‌شده از سوی ساکنان قلعه - پایتخت باشند؛ پاسخی نمادین که حکایت موفقیت در خارج از قلعه را باز می‌گوید.

نرده‌های فلزی برازیلیا هنوز موضوع کتاب‌های متخصصان قرار نگرفته است. در عین حال آثاری را می‌توان به عنوان منبع ذکر کرد:

- *The Modernist City: Architecture, Politics and Society in Brasilia*, James Holston (Yale University 1986).
- *Brasília: a construção do cotidiano*, by Brasilmar F. Nunes (Editora paralelo 15, Brasília, 1997).
- *Brasília, Ideologia e Realidade: espaço urbano em questão d'Aldo Pavanini* (Editora projeto/CNPQ. São Paulo, 1985).
- *Brasília: moradia e exclusão*, by Aldo Pavanini (Editora UNB, Brasília, 1996).